

# سخن نهاد

علیرضا عنابدلیب / رئیس‌نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران

توجه به تحولات یک‌ده‌ساله تهران به ویژه شش‌دهه گذشته نشان می‌دهد که این شهر همانند اکثر کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه، گسترش کالبدی وسیع و سریعی داشته است. این گسترش، البته در جهات مختلف از نظر کمی و کیفی یکسان نبوده و در برخی مناطق نیروی محرکه گسترش و بهبود مداوم کالبد شهری، گاه به چنان وضعی دچار شده‌است که ساکنان بافت‌های موجود قادر به ایجاد روند بازسازی اماکن خود نبوده و به مرور زمان به وضعیتی که امروزه به بافت‌های فرسوده معروف‌اند، رسیده‌است.

باید بپذیریم که ما در حال توسعه هستیم و هنوز نتوانسته‌ایم تناسب قابل قبولی بین حجم و بزرگی ابعاد اقتصادی با ابعادی نظیر ابعاد اشتغالی، رفاهی و خدماتی، مسکن و بهداشت برقرار کنیم. یعنی مثلاً ساختار اشتغال در حال حاضر با حجم بزرگی از «فوق» ذخیره نیروی کار مواجه است، در حالی که در ساختار دیگری موضوع برعکس است.

توسعه نیافته‌ایم: یعنی علی‌رغم ده برنامه توسعه (یا حداقل پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه) نه تنها توسعه‌نیافتگی در زمینه‌های اساسی زندگی اجتماعی مانند اشتغال، مسکن، افزایش و تولید عادلانه‌تر درآمد، مشارکت وسیع‌تر مردم در تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌های مختلف، از میان نرفته، بلکه در بعضی از عرصه‌های اجتماعی بر عقب‌ماندگی‌ها افزوده هم شده است. مانند شرایطی که هم‌اکنون بر وضعیت مسکن تهران حاکم است.

منظور از طرح مسائل توسعه کالبدی و توسعه شهری و عقب‌ماندگی و نظیر اینها برای چیست؟ در اینجا چند پرسش مطرح است؟ سؤال این است که به کجا می‌رویم؟...

پاسخ به این سؤال، خود چند مسئله پنهانی را در خویش دارد یعنی؛

۱. گذشته ما (مردم و جامعه تهران) چیست؟

۲. در حال حاضر در چه وضعیتی قرار داریم؟

۳. به کجا (چه فضای زمانی) می‌رویم؟

۴. چگونه می‌رویم؟

۵. اصولاً و از همه مهم‌تر این که آیا حرکت رو به جلوسست یا درجا حرکت می‌کنیم؟

هنگامی که طرح جامع اول تهران در دهه ۴۰ شمسی تهیه شد، مهاجرت به مرکز، تشدید بیکاری، مشکل مسکن و گسترش تهران و غیره در حال اوج‌گیری بود. در آن زمان مسئولینی که نمی‌توانستند به توسعه تحقق بخشند، همه این تحولات را که قبل از هر چیز ناخواسته و مسئله‌ساز و در نهایت برملاکننده ناکارآمد ایشان بود، از

ویژه‌نامه نهاد توسعه تهران، مجله‌ای اختصاصی برای مسائل شهر است که به سفارش و پشتیبانی «نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران» به ضمیمه ماهنامه منظر منتشر می‌شود. شهر، به مثابه پیشرفته‌ترین دستاورد تمدن انسان، آن‌چنان که شأن اوست شناخته نشده است. در جامعه ایران، علی‌رغم سنت پویا و عظیم شهرنشینی، این نقیصه بیشتر چهره‌می‌نماید.

«نهاد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران» که رسالت هدایت طرح‌های توسعه شهری تهران را بر عهده دارد با درک منطقی و واقع‌بینی از مسئله، توسعه فرهنگ شهر و گسترش مطالعات شهری را در میان فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی کرده است. بومی ساختن مسئله شهر در جامعه ایران و کشف راه حل‌های متناسب شرایط اجتماعی ما، هدفی است که از طریق رشد پژوهش‌ها و گسترش مطالعات علمی و نقد تجربه‌های جاری حاصل می‌شود. ویژه‌نامه نهاد توسعه تهران در صدد است در این زمینه گام بردارد.

## سخن نهاد / ۲

توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی / ۴

تشکیل دولت محلی / ۸

مشکلات آینده محیط زیست تهران / ۱۱

سیمای برج‌سازی / ۱۲

هویت آینده تهران / ۱۵

روابط آشکار و پنهان شهر و طبیعت / ۱۸

ایمنی آینده تهران / ۲۲

احیای محلات شهری / ۲۶

نوسازی بافت‌های فرسوده / ۲۸

تبدیل گورستان‌های قدیمی به گردشگاه / ۳۰

خبر / ۳۲

هیئت تحریریه ویژه‌نامه

دکتر علیرضا عنابدلیب

دکتر سید عبدالهادی دانشپور / دکتر غلامرضا کاظمیان

دکتر شریف مطوف / دکتر کیانوش ذاکر حقیقی

همان زمان "بی‌رویه" خواندند. تهران به تبع دگرگونی و تحولات اجتماعی در حال گسترش بود. زمین‌های اطراف شهر "ندید" و یا بعضاً بدون اینکه واقعاً دیده شوند خرید و فروش می‌شد. در این معرکه، مسئولین ناتوان در هدایت توسعه شهری، در واقع «غافلگیر» شده بودند. اما واقعاً حاصل این غافلگیری چه بود؟

حاصل غافل‌گیری آن بود که مسئولان تنها چاره کاستن از درماندگی مورد بحث را همانا در "جلوگیری" می‌دیدند و نه رفع «علت».

جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهر - جلوگیری از ساخت و ساز غیر مجاز - جلوگیری از اشاعه آلودگی صوتی - جلوگیری از تراکم و ترافیک بیش از این، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، جلوگیری ...، جلوگیری ... .

سایه این طرز تفکر که ریشه در ناتوانی و رفع مسئولیت دارد هنوز هم بر کلیه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ما گسترده است.

امروز در چه وضعیتی بسر می‌بریم؟ ... امروز هم در ادامه همان روند، آلودگی صوتی و هوایی بیشتر، تراکم جمعیتی متمرکزتر، ترافیک نقلیه شدیدتر، جایجایی جمعیتی ناپایدارتر، ساخت‌وساز مسکن بی‌رویه‌تر و مهاجرت گسترده‌تر را شاهدیم و بدیهی است که نباید غیر از این را انتظار داشته باشیم؟

مگر آن روند، آن سبک اجراء، آن الگوی تصمیم‌گیری، آن ساختار تصمیم‌سازی به جایی جز "اینجا" می‌انجامد؟ ... اما خطر اصلی کجاست؟ ...

خطری به مراتب دهشتناک‌تر و عمیق‌تر از هر چه تا بحال بوده در یک نکته مستتر است و آن اینکه؛

هدایت روند تغییر و تحولات کالبدی شهر و یا سازمان فضایی آن برای فردای تهران که وظیفه برنامه‌ریزان و طرح‌ریزان شهری است، قطعاً مبتنی بر "چگونه برداشتی" از موقعیت کنونی تهران است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم می‌دانیم که در موقعیت کنونی، ساکنین تهران، فقط ساکنین محدوده شهر تهران نیستند که به اصطلاح به خواست کارفرما، مهندسیین مشاور برای سقف جمعیتی تعیین و هنگامی که شرایط برای داخل محدوده سقف تنگ شد شهروندانی که بنیه مالیشان برای ماندن در داخل محدوده کافی نیست، ناچار شوند به حاشیه بدون سقف پناه ببرند و بعد کارشناسان آن را "سرریز جمعیتی" بنامند و نه رانده شدن از روی ناچاری.

لذا خطر اصلی در واقع ایجاد اصطلاحات و بکارگیری

واژه‌هایی مثل "جهانی شدن"، توسعه‌یافتگی و امثال اینها است که اگر برای توجیه آلودگی و ترافیک و تراکم و ناهنجاری مورد استفاده قرار بگیرد، مشخصاً فردای بحرانی را ترسیم می‌کند.

ما چه می‌خواستیم و چه شد؟

ما می‌خواستیم تهران در سطح ملی "هویت ساز" باشد اما اینک حتی اندک شخصیت به‌جامانده از گذشته خود را نیز از دست داده است. تهران امروز آمیزه‌ای از تضادهای فضایی است و روند کهنگی بافت‌های مرکزی شهر و نوسازی و بلندمرتبه‌سازی محلات شمالی و تازه تأسیس آن، نمود بارز این مدعا است.

حال با چنین روندی محصولی به نام تهران را پیش رو داریم که در ابعاد مختلف قابل بررسی است. شهر دوقطبی شده، توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و خدمات شهری اشباع از تضاد، دارای مرفه و فقیر، بالا و پایین، پر رونق و محروم و ...

از طرفی فقدان هرگونه هدایت و کنترلی برای تحولات کالبدی منتج به هرج و مرج در بازار زمین و زمین‌خواری، نابه‌سامانی سیما و منظر شهری، توسعه حاشیه‌نشینی، لجام‌گسیختگی محدوده شهری و محیط زیست رهاشده گردیده و در کنار آن نیز فرسودگی بافت شهر، زمینه کاهش ساخت و ساز و خروج ساکنان بومی این مناطق، خروج بافت از متن و روند توسعه شهر، آسیب‌پذیری شدید در برابر زلزله، دسترسی نامناسب در امداد و نجات، فقدان خدمات محله‌ای و زیرساختی و عدم رسیدگی برنامه‌ای را موجب شده است.

همچنین توزیع نامتوازن فعالیت‌های اقتصادی، تشدید بیکاری و رشد بخش خدمات و یا شغل‌های کاذب، رکود دوره‌ای ساخت و ساز، ناکارآمدی شبکه ارتباطی و سامانه حمل و نقل و کاهش میزان حس تعلق و مشارکت شهروندان، همه و همه فردایی را برای تهران رقم می‌زند که نه تنها نسبت به گذشته تفاوت "بهتری" نداشته بلکه خوشبینانه‌ترین نگاه این است که بگوییم تهران امروز، بزرگ‌نمایی شده همان تهران دیروز است. هر چه که بوده و هر چه که داشته بزرگ‌تر شده است و مادامی که لزوم بازنگری و اصلاح همه‌جانبه در نحوه مدیریت توسعه شهری و نیز ضرورت تشکیل ساختاری فرابخشی برای "از بالا دیدن" احساس نشود آینده تهران چیزی جز وضع موجود نخواهد بود تنها با کمی درشت‌تر نمای.